

هندسه بحران در اردوگاه دشمن

محمد علی امانی

نگاهی ساختاری و موشکافانه به جغرافیای سیاسی حامیان نظام سلطه، تصویری گویا از یک زوال همه جانبه را پیش چشم قرار می‌دهد. پایتخت‌هایی که تا دیروز داعیه‌دار مدیریت جهان و نسخه‌پیچی برای سرزشت ملت‌ها بودند، امروز‌درآتش بحران‌های درونی، فروپاشی اعتماد عمومی و گسست‌های بنیادین دست‌وپا می‌زنند. ارزیابی عینی تحولات در غرب و اراضی اشغالی، مؤید یک حقیقت انکارناپذیر است: کل اردوگاه دشمنان ایران در وضعیتی از «تشویش ساختاری و احتضار مشروعیت» روزگاری می‌گذراند.

درآن سوی اقیانوس اطلس، ایالات‌متحده اسپرودرابطل حکمرانی دو حزبی است؛جامعه‌ای قطبی شده‌که‌منظرسنجی‌های‌انتخابی‌میان‌دوره‌ای‌کنگره در آن فاش می‌سازد رای‌دهندگان نه‌تنها‌امیدی به برنامه‌های اقتصادی دموکرات‌ها ندارند، بلکه‌ایزایج‌خواهی‌های‌انحصارطلبانه‌جمهوری‌خواهان نیزبه ستوه آمده و لایحی نظام حاکم را دچار فلج سیاسی کرده‌اند. دراین میان، اوضاع در کریش اشغالی از هر نقطه دیگری شکننده‌تر است؛ جایی‌که‌از حزب‌لیکودنتانیاهو تا احزاب رقیب، همگی درگیرانشقاق حادامنیتی، بی‌قبی مفرط و بحران بقا هستند و شکاف‌های هویتی و اجتماعی، رژیم صهیونیستی‌رادرانسانه‌متلاشی‌شدن‌ازدرون‌فرارداده‌است. درآلمان، یعنی قلب اقتصادی اروپا، رکودی بی‌سابقه، تورم‌فرساینده و ناآرامی‌های‌بوروکراسی انتلافی، جامعه‌را به‌اوج عصیان علیه‌تکوکرات‌های‌مستقررسانده‌است‌تا جایی‌که شهروندان، ناوان پیروی‌گروکروانه‌از‌اوامرواشنگتن را با معیشت وافول جایگاه صنعتی خود می‌پردازند. در فرانسه، «سد جمهوری‌خواهی» به‌طور کامل فرو ریخته و گرایش‌فراپنیده‌توده‌ها به ملی‌گرایان‌هویت‌محور و مخالف اتحادیه اروپا، نشان می‌دهد که پروژه اروپایی واحد به نقطه پایان اعتبار خود رسیده است.

در چنین بزنگاه تیره‌ای، پرسش راهبردی این است: چرا ماشین تبلیغاتی و اتاق‌های فکر این اردوگاه سراسیمه، دست از لفاظی، اتهام‌زنی‌مکرر و رجزخوانی‌های‌پرهزینه‌علیه‌جمهوری‌اسلامی ایران برنمی‌دارند؟ پاسخ را باید در قاعده همیشگی و روش نخ‌نمای «درفاکنی بحران برای انحراف افکار عمومی» جست‌وجو کرد. سران غرب و کارگزاران صهیونیسم به‌خوبی‌آگاهند که پاسخ کارآمدی برای صف‌های طولانی اعتراضات در پاریس، رکود هولناک برلین، استیصال معیشتی طبقه متوسط در آمریکا و شکاف‌های ترمیم‌ناپذیر در تل‌آویو ندارند. از این رو، ساختن یک «تهدید خارجی مفروض» و دیوسازی از کشوری مستقل، مقتدور و تسلیم‌ناپذیر نظیر ایران، تنها کارپزیه باقی‌مانده در جعبه‌ابزار فرسوده آنان است. هدف این، هیاهوهای نخ‌نما، مهیندسی‌نرس و پرت کردن حواس شهروندان غربی از باتلافی است که نظام لیبرال دموکراسی و صهیونیسم در آن فرو رفته و هرروز بیشتر غرق می‌شود.

این رجزخوانی‌های عصبی و اتهام‌تراشی‌های بی‌پایه، نه علامت قدرت یا تسلط، بلکه نشانه آشکار اضطراب وجودی و درازدگویی‌است که پایه‌های نظم‌تجمیلی‌اش سست شده‌است. دشمنان ایران با فرافکنی به‌سوی خارج، تنها زمان می‌خرند تا سقوط محتوم الگوهای حکمرانی خود را لایوشانی کنند؛ زغال‌آزنگه امواج خشم متراکم ملت‌ها در رخپان‌های غرب و تزلزل ارکان رژیم آریاترید، دیری نخواهد پایید که این غبار تصنعی ایران‌هراسی را فرونشاندند و حقیقت بحران را بر سر طراحان آن آوار خواهد کرد.

نکته

توحش واقعی و آزادی دروغین

سیاستین روشه، کارشناس مرکزی تحقیقات علمی (CNRS) در پاریس در گفتگویی با روزنامه‌تاگس ساینونگ‌به‌اعتراضات‌اخیردانش آموزی در فرانسه و خشونت بالای پلیس علیه معترضان پرداخته و اظهار داشت: در فرانسه، نیروی پلیس به واحدهای مختلفی تقسیم می‌شود که هر کدام سطوح آموزشی متفاوتی دارند. این واحدها شامل پلیس انتظامی، پلیس ضد شورش و پلیس عادی می‌شوند. پلیس عادی برای حفظ نظم عمومی آموزش ندیده‌است، بلکه برای مبارزه با جرم و جنایت آموزش دیده‌ است. آنها واحدهای مداخلهٔ گرسهندند که به عنوان تیپ‌های ضد جرم نیز شناخته می‌شوند. در شرایط فعلی با اعتراضات دانشجویی، همین نیروها که قرار است با جرم و جنایت در کشور مبارزه کنند، برای اعتراضات سیاسی به کار گرفته می‌شوند.

وی افزود، اکنون دیده می‌شود که این واحدهای پلیس با خودروهای خود مواجع جاده‌ای را منفرج می‌کنند، جوانان را با خودروهای زرهی در پارک‌ها تعقیب می‌کنند و در میان تظاهرات نارنجک‌های گاز اشک‌آور پرتاب می‌کنند. این طبق استانداردهایی عمل می‌کنند که هیچ ارتباطی با واقعیت ندارند.

وی در بخش دیگری از این گفتگو تاکید کرد: در آلمان، کاهش تنش، محور اصلی آموزش پلیس است. این موضوع در فرانسه کاملاً ناشناخته است. این بدان معناست که در فرانسه پلیس باید سلاح و نیروی فیزیکی بیشتری نسبت به نیروی مقابل داشته باشد تا بتواند کنترل اوضاع را حفظ کند. بنابراین، فرانسه یک مشکل اصلی دارد و آن افسران پلیس آموزش دیده ضعیف هستند که پاسخ‌های کمی در مقابل موقعیت‌های پیچیده غیر از خشونت دارند.

پارین اساس، پلیس فرانسه بر دو چیز تمرکز دارد. اول، دستگیری‌هاودستگیر شدگان غنیمت‌های سیاسی پلیس هستند. وزیر کشور می‌خواهد بتواند در تلوویزون اعلام کند که پلیس قوی است. از نظروی، یک نیروی پلیس قوی اوضاع آرا آم نمی‌کند؛ بلکه عضلات خود را به نمایش می‌گذارد. دستگیری‌ها همچنین یک موضوع اجسیتیکی هستند و سیستم پلیس فرانسه خود را حول این لجستیکی سازماندهی کرده‌است، به این معنی که برای کنترل از طریق دستگیری‌ها طراح‌ی شده‌ است.

دومین عنصر کلیدی، استفاده از مهمات غیرکشنده است. این مهمات عمدتاً شامل گلوله‌اندازهای لاستیکی از نوع CBD و نارنجک می‌شود. این سلاح‌ها در سال ۱۹۹۵ برای اهداف ضدتوربوسم معرفی شدند. اکنون از آنها علیه دانش آموزان مدرسه استفاده می‌شود. در ده روز گذشته، این امر منجر به چهار جرح شده‌ است؛ یک دانش آموز در زیر بار انفجار نارنجک دستش قطع شد و دانش آموز دیگری در توریک چشم خود را از دست داد. فرانسه با مجموع ۱۲۰ مورد از سال ۲۰۰۰، بیشترین تعداد جراحات ناشی از خشونت پلیس را در اروپا دارد.

این کارشناس فرانسوی در بخش دیگری از سخنانش به اعتراضات جلیقه زده‌هایردا در داخل داشت؛ دردروان مانوئل ماکرون، اوضاع با اعتراضات جلیقه زده‌ها به طور قابل توجهی تشدید شده‌ است. از آن زمان، پلیس اعتراضات را به شدت سرکوب کرده‌ است. با این حال، این تحول حتی قبل از زیاست جمهوری ماکرون در سال ۲۰۱۸ آغاز شد. اولین نشانه‌های چنین رویکرد سختگیرانه‌ای در سال ۲۰۱۶، دو سال قبل از آن قابل مشاهده بود. بنابراین، در آرس پلیس کمی قرار دارد که خط سیاسی تعیین شده توسط رئیس‌جمهور اِجرامی کند. در حال حاضر، این شخص لورن نونز، وزیر کشور است. با این حال، نکته جدید این است که این سیستم اکنون افراد زیر سن قانونی، از جمله دانش آموزان را نیز هدف قرار می‌دهد.

خبر

سردرگمی صهیونیست‌ها درباره‌رشیء ناشناس

ارتش صهیونیستی بخاطر یک شیء ناشناس در آسمان اراضی اشغالی که نمی‌داند چه بوده، به‌حالت‌آماده‌یاش درآمده‌است. به‌گزارش تسنیم، ارتش رژیم‌اشغالگر که چند روز قبل از عبور جسمی ناشناس از رزم‌رهای شمالی اراضی اشغالی خبر داده بود امروز اعلام کرد که هنوز نتوانسته مشخص کند که این شیء دقیقاً چه بوده‌است. طبق بیانیه‌ارتش رژیم‌صهیونیستی، ارزیابی‌های جدید حاکی از آن است که این شیء، به احتمال زیاد ویژگی‌های یک بالان یا دستگاه هوای گرم را داشته‌ است. البته در این مرحله، منشأ هدف آن را نمی‌توانند به‌طور قطعی تعیین کنند. ارتش صهیونیستی تاکید کرد که امکان‌توان باطمینان گفت‌که این یک پیهاد کوچک یا وسیله‌قلبیه‌هواپی‌بدون‌سرنشین نبوده‌ است. این شیء توسط سیستم‌های نظارتی و شناسایی نیروی هوایی شناسایی شد که آن را ردیابی کرد و نیروهای حاضر در محل را برای واکنش به این حادثه هدایت کردند. براساس این بیانیه، تاکنون، شیء مذکور هنوز در منطقه پیدا نشده‌ است و هیچ تغییری در دستورالعمل‌های صادر شده به فرماندهی جبهه داخلی ایجاد نشده‌ است. ارتش رژیم صهیونیستی در مورد دیدگاه‌های مذاب اخیر اعلام کرد که تفاوت بین یک پیهاد و یک پرزنده کوچک ناچیز است و بنابراین هیچ ریسکی پذیرفته نمی‌شود. پس از تشخیص تهدید، عملیاتی سریع برای رهگیری هدف آغاز می‌شود.

۲

■ چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۵

■ ۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ ■ ۱۴ اکتبر ۲۰۲۶

گروه بین الملل

بیش از ۷ ماه پس از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران اختلافات میان دومتحد سنتی بر سر اهداف و چگونگی پایان دادن به جنگ آشکارتر شده‌است. درواشنگتن، نگرانی از طولانی شدن درگیری، هزینه‌های اقتصادی و نبود چشم‌اندازی روشن برای تحقق اهداف اولیه افزایش یافته در حالی که در تل‌آویو، همچنان این دیدگاه وجود دارد که ادامه فشار نظامی می‌تواند دستاوردهای بیشتری به‌همراه‌داشته‌باشد. هم‌زمان، مخالفت با جنگ از درون دولت ترامپ به تکره و بخشی از پایگاه سیاسی جمهوری خواهان گسترش یافته‌ است. این تحولات البته لزوماً به معنای فروپاشی اتحاد راهبردی واشنگتن وتل‌آویونیست، امانشان می‌دهد تداوم راهبردمقاومت ایران می‌تواند محاسبات آمریکادرباره‌هزینه‌های ادامه جنگ و تعهداتش در قبال اسرائیل را مورد آزمون جدی قرار دهد.

■ **اختلاف بر سر اهداف جنگ**

روزنامه‌واشنگتن‌پست در گزارشی در ۲۰۲۶، کمتر از سه هفته پس از آغاز جنگ، نوشت که اهداف آمریکا و اسرائیل در ابتدا هم‌سو بود، اما ادامه عملیات و مشخص شدن قدرت ایران تفاوت در انتظارات دو طرف آشکار شد. دونالد ترامپ به پیروزی نظامی سریع با هزینه اقتصادی محدود امید داشت، درحالی‌که بنیامین نتانیاهو چشم‌انداز گسترده‌تری از تغییرات سیاسی در ایران را دنبال می‌کرد. این گزارش همچنین به نگرانی‌های آمریکایی‌ها از پیامدهای اقتصادی جنگ و افزایش قیمت انرژی اشاره داشت، نگرانی‌ای که در کنار اختلاف بر سر اهداف نهایی، روابط دو متحد را تحت فشار قرار داده بود. روزنامه نیویورک تایمز هم در

سیاسی

ترامپ و نتانیاهو هر دو وحشت زده‌اند

شراکت دوسر باخت صهیونیست‌ها و کاخ سفید



جنگ، نسبت میان هزینه‌های نظامی و اهداف سیاسی آن است. وارد کردن خسارت به توانمندی‌های طرف مقابل، به‌تنهایی تضمین نمی‌کند که نتیجه سیاسی موردنظر نیز محقق شود. اگر طرف مقابل با وجود تحمل خسارت به مقاومت ادامه دهد، دستیابی به اهداف اولیه برای طرف متخاصم دشوار و غیرممکن می‌شود.

یکی از روشن‌ترین نشانه‌های هزینه‌بار شدن جنگ برای آمریکا، برآورد دفتر بودجه‌کنگره این کشور است. این نهاد در گزارشی در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۶، منتشر کرد، اعلام کرد

هزینه مستقیم عملیات نظامی آمریکاعلیه ایران تا اوال اوت به حدود ۲۸ میلیارد دلار رسیده‌ است. این رقم هزینه جایگزینی مهات و تجهیزات از دست‌رفته، افزایش

ساعات پرواز، عملیات نظامی و هزینه‌های سوخت را در برمی‌گیرد؛ اما همه هزینه‌های جانبی جنگ، از جمله تعمیر پایگاه‌های آسیب‌دیده آمریکادرم منطقه، در آن محاسبه نشده‌ است.

دفتر بودجه‌کنگره همچنین برآورد کرده‌ که اگر درگیری در سطح کم‌شدت باقی‌بماند، هر ماه ادامه آن حدود ۲ میلیارد دلار و در

صورت افزایش شدت عملیات، حدود ۳ میلیارد دلار هزینه‌دیگر به آمریکا تحمیل خواهد کرد. تنگه هرز یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که پیامدهای جنگ را از میدان نظامی به اقتصاد جهانی منتقل کرده‌ است. اختلال در کشتیرانی این آبراه، نااطمنیانی در بازار انرژی و افزایش فشار بر کشورهای واردکننده نفت، دامنه

انصار الله مجالی برای تنفس آل سعود نگذاشته است

سیلی یمنی‌ها بر صورت بن سلمان



هواپیمایی پروازهای خود به ریاض را تعلیق کردند و هشدارهای مربوط به امنیت پرواز در بخش‌هایی از حريم هوایی عربستان گسترش یافت. در ۱۸ مهر، نهاد امانی هوانوردی اتحادیه اروپا نیز هشدارهای خود را درباره خطرات پروازی در منطقه توسعه داد. این توانی عملیات نشان می‌دهد که فشار انصارالله به یک حمله منفرد محدود نیست. گسترش جغرافیایی اهداف مناطق جنوبی عربستان به پایتخت، در کنار هشدار به شرکت‌های هواپیمایی، پیام روشنی برای ریاض دارد: ادامه جنگ علیه یمن می‌تواند امنیت زیرساخت‌هایی را تحت تأثیر قرار دهد که برای اقتصاد و ارتباطات بین‌المللی عربستان اهمیت حیاتی دارند.

■ **ضربات کوبنده انصارالله بر پرسنژ اقتصادی عربستان**

عربستان در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری گسترده‌ای برای جذب سرمایه خارجی، توسعه گردشگری و تبدیل شدن به یکی از مراکز اقتصادی منطقه انجام داده‌ است. امنیت فرودگاه‌ها و استمرار

■ **محدودیت راهبرد سعودی و ابتکار عمل صنعا**

عربستان طی سال‌های جنگ، ظرفیت‌های گسترده نظامی و

سال چهارم و یکم روزنامه پنجشنبه ایران شماره ۱۱۴۹۰

رفته و به اقتصاد آمریکا نیز سرایت کرده‌ است. اختلال در عبور نفت و گاز از تنگه هرمز و بی‌ثباتی مسیرهای کشتیرانی، فشار افزایشی بر قیمت انرژی وارد کرده‌است. دفتر بودجه‌کنگره برآورد کرده‌بود که پیامدهای اقتصادی جنگ می‌تواند نرخ تورم آمریکا را در سه‌ماهه‌نخست‌سال ۲۰۲۷ حدود نیم واحد درصدا بالاتر از پیش‌بینی قبلی قرار دهد. این برآورد، هزینه‌ای را نشان می‌دهد که حتی شهروندان آمریکایی دور از میدان نبرد نیز ممکن‌ است آن را در قالب افزایش قیمت سوخت و کالاها احساس کنند.

■ **نتایج راهبردی مقاومت ایران**

مجموع این تحولات نشان می‌دهد که پایداری ملت ایران در برابر حملات، در کنار دیگر عوامل سیاسی و منطقه‌ای، به تشدید اختلافات موجود در ائتلاف آمریکا و اسرائیل کمک کرده‌است. جنگی که قرار بود در زمانی کوتاه به اهداف اعلام‌شده‌خود برسد، به درگیری‌ای طولانی تبدیل شده و هزینه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی آن در محاسبات واشنگتن جایگاه بیشتری پیدا کرده و برای نخستین بار بخش‌هایی از حاکمیت را به بازنگری در روابطش با اسرائیل واداشته‌ است.

آمریکا و اسرائیل همچنان در هدف راهبردی مقابله با ایران اشترک دارند، اما جبهه جنگ اخیر نشان داده‌است که توافق بر سر هدف کلان، اختلاف بر سر مسیر دستیابی به آن را زمین‌ان نمی‌برد. هرچه تحقق اهداف جنگ دشوارتر و هزینه‌های ادامه آن بیشتر شود، تصمیم‌گیری درباره ادامه عملیات و زمان پایان درگیری اهمیت بیشتری پیدای می‌کند؛ همان مسائلی که در ماه‌های گذشته به یکی از محورهای اختلاف میان واشنگتن وتل‌آویو تبدیل شده‌اند.

سیاسی خود را برای شکست انصارالله به کار گرفته‌ است. حملات هوایی، حمایت از نیروهای همسود در داخل یمن و فشار اقتصادی نتوانسته‌اند به نتیجه راهبردی موردنظر ریاض منجر شوند. این تجربه‌نشان داده‌است که برتری تسلیحاتی و برخورداری از پشتیبانی خارجی، به‌تنهایی برای تحمیل اراده سیاسی به صنعا کافی نیست، در شرایط کنونی نیز عربستان با دشواری تغییر قاطع موازنه روبه روست. اگر حملات هوایی و افزایش فشار بر یمن، بدون تغییر در اهداف و روش‌های جنگ، تضمینی برای عقب‌نشینی انصارالله ایجاد نمی‌کند. در مقابل، صنعا با گسترش عملیات و انتخاب اهداف حساس، می‌تواند هزینه‌های ادامه تقابل را افزایش دهد و محاسبات سیاسی و نظامی ریاض را تحت تأثیر قرار دهد. این وضعیت به معنای از بین رفتن توان نظامی عربستان نیست، بلکه نشان می‌دهد که این کشور برای دستیابی به نتیجه‌تعیین‌کننده با محدودیت‌های جدی مواجه‌ است. انصارالله نیز با تنظیم دامنه عملیات می‌تواند فشار را افزایش دهد و در عین حال، امکان تشدید بیشتر را به عنوان اهرمی در برابر طرف مدعی حفظ کند.

■ **پایان محاصره: تنها گزینه پیش روی ریاض**

مسئله اصلی در تقابل کنونی، جدایی‌ناپذیری حملات سعودی از محاصره یمن است. انصارالله اقدامات اخیر را در چارچوب پاسخ به این دو روند معرفی می‌کند و پایان دادن به محاصره را یکی از محورهای اصلی مطالبه خود قرار داده‌ است. بنابراین، کاهش تنش بدون تغییر در سیاست عربستان نسبت به یمن نمی‌تواند زمینه‌پایداری برای پایان دادن به درگیری فراهم کند. اگر ریاض همچنان به حملات خود ادامه دهد و محاصره را حفظ کند، با احتمال گسترش عملیات انصارالله و افزایش هزینه‌های امنیتی و اقتصادی روبه‌رو خواهد بود. در مقابل، حرکت به سوی توقف حملات و رفع محاصره می‌تواند زمینه‌ار برای کاهش تقابل فراهم کند. مسئولیت انتخاب میان این دو مسیر بر عهده عربستانی است که سال‌ها تاکیه بر قدرت نظامی و فشار اقتصادی کوشیده‌ است خواهسته‌های خود را به یمن تحمیل کند. حملات متعدد انصارالله به فرودگاه‌های عربستان در هفته اخیر را باید در همین چارچوب ارزیابی کرد: تلاش برای شکستن یک معادله یک‌طرفه و وادار کردن ریاض به پرداخت هزینه ادامه جنگ. عربستان با تکرار الگوهای گذشته نتوانسته‌است صنعا را به تسلیم وادار کند و اکنون با گسترش فشار به زیرساخت‌های حیاتی خود مواجه‌ است. اگر ریاض محاصره را متراش است، مسیر آن در تشدید حملات، بلکه در پایان دادن به محاصره و بازنگری در سیاست جنگی خود قرار دارد. پیام صنعا این است که ادامه فشار بر یمن، دیگر اقدامی بدون هزینه نخواهد بود.

است و جبهه مقاومت با فراگیری و عمل به آموزه‌های قرآن، به پیش خواهد رفت.

البته اینجا نباید گرفتار یک خطای تحلیلی دیگر شد؛ اینکه هر موفقیتی میدانی را مساوی با پیروزی نهایی بدانیم طوفان الاقصی نقطه پایان نیست، بلکه نقطه تغییر محاسبات است. رژیم صهیونیستی همچنان از حمایت قدرت‌های غربی برخوردارست و توانایی وارد کردن خسارت دارد. اما مسئله مهم این است که دیگر نمی‌تواند به سادگی گذشته، شکست ناپذیری خود را به عنوان یک واقعیت مسلم به دیگران تحمیل کند. حتی تحلیل‌های جدید درباره پیامدهای منطقه‌ای طوفان نیز بازگشت مسئله فلسطین به مرکز تحولات، اختلال در روند عادی سازی و تأثیر عملیات بر توان قدرت منطقه‌ای تأکید دارند پس اگر بخواهیم طوفان الاقصی را در یک جمله جمع‌بندی کنیم، باید گفت: این عملیات بیش از آنکه صرفاً یک حمله به یک رژیم باشد، حمله به معادله‌ایی بود که می‌خواست اشغال را معادلات منطقه، در برابر مقاومت و بازگشت مسئله فلسطین قرار گرفته‌است. اگر این چارچوب دیده‌شود، روشن می‌شود که چرا یک عملیات محدود از نظر جغرافیایی نتوانست پیامدهایی بسیار فراتر از غزه ایجاد کند؛ چون به یک معادله قدیمی ضربه زد؛ معادله‌ایی که تصویری کردمی توان بدون حل مسئله فلسطین، درباره آینده غرب آسیا تصمیم گرفت.